



در گفت‌وگوی تلفنی با جهانگیری مطرح شد

گلایه مراجع تقلید از وضع معیشت مردم

گروه سیاست: معاون اول رئیس‌جمهوری، شبیه‌شب با آیات عظام مظاهری، سبحانی، علوی‌گرگانی، جوادی‌آملی، صافی‌گلپایگانی، آیت‌الله مکارم‌شیرازی و آیت‌الله شهرستانی نماینده حضرت آیت‌الله‌العظمی سیستانی به‌صورت تلفنی گفت‌وگو...

صفحه ۲

دوشنبه ۱۴ مهر ۱۳۹۹ | ۱۷ صفر ۱۴۴۲ | ۱۵ اکتبر ۲۰۲۰

تیتراها

کرونا رکورد مرگ در تهران را شکست

صفحه ۹

جنجال فحاشی به عربستانی‌ها

صفحه ۱۱

تولید غیرمجاز در مزارع ایران

صفحه ۴

اما و اگرها برای نامزدی زنان در انتخابات

صفحه ۲



نگاهی به دولت شهیدان باهنر و رجایی دولت مستعجل

صفحه ۲

حرف اول

آغوش باز تهران به‌روی روشنی

غلامحسین محمدی*



تهران از همان آغاز شهری بود که شهروندان می‌توانستند در آن بیشتر همان‌گونه که هستند، زندگی کنند. به معنای مثبت کلمه، در شهر گم شوند و نگران چشمان نظاره‌گر فرهنگ سلطه‌یافته نباشند. درعین‌حال این مسئله به معنای فقدان هویت در شهر تهران نبود. همین شهروندان به صورت عرفی قوانین اخلاقی مسالمت‌جویانه‌ای در شهر بنا گذاشتند و یکدیگر را به رسمیت شناختند و به هم اعتماد کردند؛ به‌گونه‌ای که در روایات تاریخی از شهر تهران کمتر شاهد گزارش‌هایی مبنی بر نزاع و درگیری میان هویت‌های مختلف ساکن در شهر هستیم. همه مهاجران، شهرستانی‌ها و ایرانیان و به‌خصوص تهرانیان است. کلیسای انجیلی پطرس مقدس، کلیسای ارمنه حضرت مریم، کنیسه حیم، آتشکده آدریان و مسجد حضرت ابراهیم، پایداری فرهنگی را نشان می‌دهند که امروز نه‌فقط نیاز ایران که نیاز جهان است. ما باید احساس تعلق به همین فرهنگ را در شهر تهران تقویت کنیم؛ فرهنگی که در برابر اسلام‌هراسی و مهاجرت‌ستیزی و ملی‌گرایی افراطی‌ای که امروز در جهان در حال سر برآوردن است، حرف‌های زیادی برای گفتن دارد؛ اما اکنون، نیک که بنگریم در هر کنج و گوشه تهران یک شگفتی نهفته است. در خانه‌های بی‌شمار این شهر، خاطرات خوشایند نسل‌های بیایی در انتظارند تا پاس داشته شوند. این شهر با تاریخ تمدنی باستانی‌اش، بهترین بستر برای مرکزیت ایران بوده است؛ محاط با رودهای پرآب و کوه‌های بلند و پذیرنده فصل‌های مختلف. تهران همیشه آغوشش به روی خوبی و روشنی باز بوده است.

ادامه در صفحه ۲

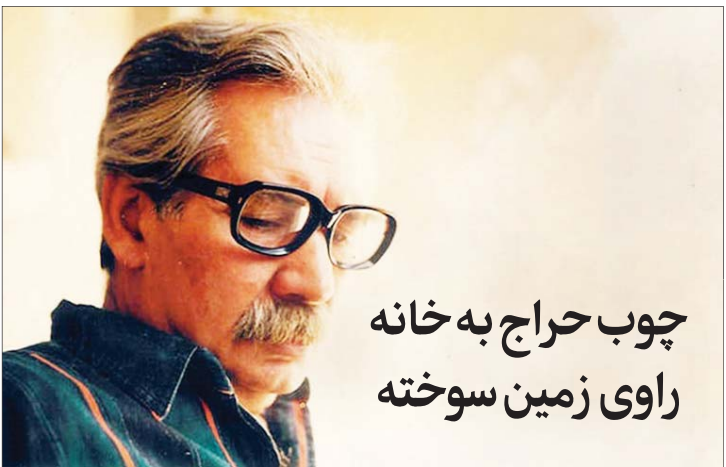


روزنامه

قربانیان نوظهور خصوصی‌سازی

«شرق» چالش صندوق بازنشستگی کشوری بر سر بازنشستگان مخابرات را بررسی می‌کند

شکوفه حبیب‌زاده: قربانیان خصوصی‌سازی در ایران، تنها معطوف به کارگران اخراجی و اموال و املاک از دست‌رفته نیست، حتی بخشی که انتظار می‌رفت زیر پوشش قانون به بخش خصوصی منتقل شود نیز آینده‌شان، متأثر از بی‌تجربگی مسئولان وقت، به یغما رفته است. شرکت مخابرات ایران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شرکت‌های واگذارشده در سال ۱۳۸۸، کماکان مشکلاتی را بر دوش می‌کشد که سیاهی‌اش بر پیشانی خصوصی‌کنندگان مانده است. اخیراً یکی از نمایندگان مجلس خبر از تحقیق و تفحص از صندوق



چوب حراج به خانه راوی زمین سوخته

صفحه ۹

یادداشت

مدیریت بحران سیلاب‌های پاییزی



مهدی زارع*

سال آبی جدید هم رخ دهد. مسئله ما همچنان متمرکزبودن و پراکنده‌بودن این میزان بارش و وجود خاک سطحی است که به دلیل خشکسالی‌های دو دهه اخیر همچنان نفوذپذیری بسیار کمی دارند و این موضوع به وقوع سیلاب می‌انجامد. تشکیل تیم‌های مدیریت بحران سیلاب، گام اول پیشگیرانه است. با توجه به همه‌گیری ویروس کرونا در کشور و درگیربودن زیرساخت مدیریتی و بهداشتی کشور در آن مسئله، باید با دقت و سختگیری بیشتری اقدام شود. تیم‌های مدیریت بحران (تیمران‌ها) با مرور درس‌های سیلاب‌های ۹۸-۹۹، اکنون باید آماده برای به‌کارگیری برنامه عملیاتی بحران سیلاب باشند. علت روان‌آب در مسیلاها، آبگرفتگی و برخورد صاعقه و اختلال تردد در جاده‌های کوهستانی وجود دارد. معمولاً در چنین موقعیتی خودداری از اتراق، تردد و جرای دام در بستر و حاشیه مسیلاها و رودخانه‌ها، اجتناب از صعود به ارتفاعات و تمهیدات لازم در باغداری توصیه می‌شود. در پایان تابستان و در ۲۹ شهریور ۹۹ نیز در منطقه تالش در استان گیلان با وقوع سیل خسارت‌های زیادی از تخریب چند دهنه پل تا ویرانی ۱۶ واحد مسکونی گزارش شد. از صبح ۳۰ شهریورماه نیز با بارش شدید باران در گیلان به‌ویژه شهرستان تالش، بالاآمدن آب رودخانه کرگانرود سبب آبگرفتگی معابر، انسداد راه‌های روستایی، قطع آب، برق و گاز بسیاری از روستاها در چهار بخش این شهرستان شد. انسداد مسیر ترانزیتی تالش-آستارا و همچنین اسالم به خلخال سبب ایجاد ترافیک و سرگردانی مردم شد. با نگاهی به آمار تجمعی بارندگی در همین ابتدای سال آبی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ مشاهده می‌شود که از شش حوزه آبریز درچیک کشور (دریای مازندران، خلیج فارس-دریای عمان، دریاچه ارومیه، فلات مرکزی، مرزی شرقی و قره قروم) در دو حوزه اصلی خلیج فارس-دریای عمان و قره قروم، میزان بارندگی از اول ۱۳ تا مهر ۹۹ از بارندگی متوسط در زمان مشابه در ۱۱ساله منتهی به سال آبی ۱۳۹۸-۱۳۹۹ بیشتر بود. البته با تغییرات اقلیمی انتظار می‌رود که نوسانات بارندگی در بازه‌های زمانی کوتاه‌تر و در محدوده‌های جغرافیایی کوچک‌تر و با میزان و شدت بیشتر در

*عضو وابسته فرهنگستان علوم

ارتباط با روزنامه شرق

SHARGHLINE
@SHARGHDAILY.IR

عارف با اشاره به نامزدی‌اش در انتخابات ۱۴۰۰

اگر لازم باشد می‌آیم

گروه سیاست: محمدرضا عارف با اشاره به اینکه سه‌جریانی‌شدن مجلس دهم آفتی بود که آن را به پای لاریجانی می‌گذارم، گفت: «جریان سوم انتخابات ۹۶ به التماس ما افتادند، اما بعد از پیروزی روحانی، کاملاً روی خود را چرخاندند...

صفحه ۳

سال هجدهم | شماره ۳۸۳۴ | ۱۲ صفحه | ۵۰۰۰ تومان

سرمقاله

آدرس غلط تخریب ویلاها

علی دینی‌ترکمانی*



این روزها ویدئوی تخریب ویلاها در جاهایی مثل ملارد و نوشهر، دست به دست می‌چرخد. مدیران ذی‌ربط با این تخریب‌ها، با چنان افتخاری از فروختن ویلاها با ماشین تخریب در دست‌شان، سخن می‌گویند که گویی شاخ غولی بزرگ را شکسته‌اند و کاری کرده‌اند کارستان. صورت مسئله چیست؟ در جاهایی ساخت‌وسازهایی صورت گرفته است که بر مبنای اسناد زمان اصلاحات ارضی در دهه ۱۳۴۰ و پهنه‌بندی‌های ذی‌ربط با این اسناد، یا جزء منابع طبیعی و ملی هستند یا جزء اموال شخصی یا کاربری کشاورزی. اولاً، بیش از همه، سیاست‌گذاران مقصر هستند که سال‌هایی در خواب بوده‌اند و اجازه داده‌اند که چنین ساخت‌وسازهایی صورت بگیرد و حالا چند سالی است که یاد منابع طبیعی افتاده‌اند؛ منابع طبیعی که بیش از همه بر اثر تصاحب دستگاه‌ها و نهادهای دولتی و عمومی و همین‌طور ناتوانی این نهادها در بازسازی این منابع، با سرعت از بین رفته و بحران زیست‌محیطی (کاهش آب‌های زیرزمینی، نشست زمین، کاهش مساحت جنگل‌ها و مراتع) را به وجود آورده است. ثانیاً، تخریب، به‌ویژه وقتی که بناهای ویلاها و نظایر آنها، به روال معمول تجربه‌شده در گذشته، به صورت مخروبه باقی می‌مانند، از هیچ منظری راهکار مقبولی نیست. نه با چنین اقدامی، زمین‌ها برای کاربری‌های کشاورزی قابل استفاده می‌شوند و نه به احیای منابع طبیعی کمکی می‌کنند. تنها پیامد این تخریب‌ها، نابودکردن منابع صرف‌شده برای ساخت آنهاست که هزینه‌های ملی دیگری را بر هزینه‌های ازبین‌رفته منابع طبیعی اضافه می‌کند. همین‌طور، هزینه اجتماعی زشت‌کردن نمای مناطقی را در پی دارد که این ویلاها در آنجا قرار دارند. ثالثاً، اگر در مواردی نهادهای دولتی و عمومی مدعی مالکیت آنها باشند؛ درحالی‌که سال‌های طولانی در مالکیت مردم بوده‌اند، این‌را باید به حساب رفتار کاسب‌کارانه غیراخلاقی گذاشت که حق مالکیت شرعی و عرفی را به سودای دسترسی به دارایی ارضی مردم نقض می‌کنند. در چنین موقعیتی راهکار عقلانی و منصفانه چیست؟ به جای تخریب، می‌توان به این واحدها با اعطای مجوزهای لازم، رسمیت داد و در برابرش مالیات بر ثروت دریافت کرد و درآمد مالیاتی را صرف ایجاد فضای سبز و مکانیزه‌کردن سیستم آبیاری و حاصلخیزکردن زمین، حتی به اندازه کوچک، در جاهای دیگر کرد. عقل متعارف و سلیم، در مقایسه با دو گزینه الف. تخریب‌کردن و مخروبه به‌جای‌گذاشتن و ب. مالیات بر ثروت بستن و آن را صرف بازسازی زمین‌های بایر و فساسازی و تقویت خاک کردن، دومی را تأیید می‌کند. درعین‌حال تکلیف ساخت‌وسازها در آینده را هم می‌توان مشخص کرد. با مشخص‌شدن جاهای ممنوعه و اعلام عمومی آن، می‌توان از وقوع چنین تنش‌هایی و اتلاف منابعی در آینده، به شرط برخورد عادلانه با هر نهاد و دستگاهی، پیشگیری کرد. ولی از سیاست‌گذاری مبتنی بر چنین منطقی، چنین انتظاری نمرود. منطقی که از سویی، ناتوان از پیشبرد انباشت سرمایه محیط‌زیست‌گرا و ارتقای عملکرد بخش کشاورزی از طریق انطباق آن با فناوری‌های به‌روز دنیا در حوزه‌های آبیاری و خاک و... است و از سوی دیگر، ناتوان از پیشگیری از دست‌اندازی دستگاه‌ها و نهادهای قدرتمند به منابع طبیعی با هدف مسکن‌سازی و ویلاسازی و... است. طنز قضیه در اینجااست که چنان به اسناد پهنه‌بندی دهه ۴۰ در اینجاست که چنان به اسناد پهنه‌بندی دهه ۴۰ استناد می‌شود که گویی در همه‌جا با دقت و ظرافت مثال‌زدنی، آن پهنه‌بندی‌ها رعایت شده و اراضی بایر تبدیل به مناطق مسکونی و تفریحی دستگاه‌ها و نهادهایی نشده‌اند. در زاین، دولت اجازه می‌دهد که در برخی از جاها، بیشه‌ها به زمین‌های کلف تبدیل بشود، به این شرط که به ازای هر درختی که بریده می‌شود، حداقل ۱۰ درخت در جایی که دولت تعیین می‌کند، کاشته بشود. ایجاد بازی برد- برد میان بازیگران مختلف، هنر نظام سیاست‌گذاری کارآمد است. وقتی حکمرانی و سیاست‌گذاری ضعیف باشد، تنها چیزی که روی دست اقتصاد و منابع طبیعی و مردم باقی می‌ماند، اتلاف منابع و هزینه‌های فراینده است. در این چارچوب، عملکردهای پررنگ ثبت‌شده در کارنامه‌ها، به نوع برخورد با تخریب ویلاها و ساخت‌وسازهای مبتنی بر حق مالکیت شرعی و عرفی حق ریشه، محدود می‌شود. سیاست‌گذاری کج‌بینان، پاسخی به مسئله‌ها نیست؛ خود مسئله اصلی است که باید با راهکاری صحیح رفع بشود. در غیراین‌صورت، با کزکارکردی‌های اساسی خود، به جای حل مسائل اقتصادی و اجتماعی، به ابعاد آنها خواهد افزود.

*استادیار مؤسسه مطالعات بازرگانی

در گفت‌وگو با محمدرضا خاتمی عنوان شد

روایت جنگ، سپاه و جریان‌های سیاسی آن دوران

عبدالکریم جعفری

صفحه ۳

یادداشت

هشدار درباره خطر نابرابری آموزشی



صالح نقره‌کار
وکیل دادگستری

کشور، اولویت تمرکز بر آموزش منهای تبعیض سرمایه اجتماعی آینده‌ساز گم شود. ۵. چه بسیار ابوعلی سسیناها و استعدادهای ارزنده ملی که به خاطر محرومیت مالی از تحصیل بازمی‌مانند و فرصت تحصیل نصیب توانایان خرید کالای آموزش می‌شود. چقدر هوش و استعداد بچه‌های مردم به خاطر بی‌پولی فرصت شکوفایی ندارند و بدتر اینکه این روند تا آموزش عالی و پس از آن تسخیر مشاغل و پست‌ها امتداد داشته باشد. چه سرمایه‌ای بالاتر از مغزها و نفس‌ها که سنگ‌بنای هر توسعه‌خواهی و تحول‌گرایی در کشورند و به همین خاطر است که دنیا غرب با تمرکز بر این مزیت ایران، دام شناسایی نخبگان و استعدادها و مناطق محروم حکایت دارد. سسم مهلک تبعیض و بی‌عدالتی همه جا ویرانگر و نسبت به سرمایه‌های انسانی آینده‌ساز یک فاجعه دهشتناک است. نابرابری آموزشی برای امیدهای فردای میهن نابخشودنی است. به تناسب اهمیت این موضوع به آن توجه کرده‌ایم؟ ۲. همیشه افتخار ملی این بود که چه بسیار فرزندان مناطق محروم کشور در مدارس دورافتاده دولتی جزء نفرات برتر و زنده کنکور بودند و شعاع انقلاب و قانون اساسی، تحصیل رایگان و برابری آموزشی بوده است. اگر آموزش پولی و سوداگری جای خود را به عدالت آموزشی و برابری همگان دهد، یعنی عدالت آموزشی و اصل ۳۰ قانون اساسی و تحصیل رایگان به یغما رفته و همه رشته‌های انقلاب فرهنگی و جهاد اخلاقی پنبه شده است. ۳. در صعب‌ترین وضعیت بودجه کشور حتی زمان جنگ اجازه داده نشد به آموزش و پرورش نگاهی کالایی شود. شاید زمانی که اولین مدارس غیرانتفاعی در کشور شروع به فعالیت کردند، کسی تصور نمی‌کرد به دنبال این تصمیم، تبعیض سیستماتیک آموزشی و اختلال در وضعیت برابری دسترسی به آموزش ایجاد شود. باری این اتفاق امروز ماهیت بی‌رحمانه عدالت‌ستیز خود را نشان می‌دهد. ۴. حواس وجدان عمومی جمع باشد که لمس‌شدگی و بی‌حسی در برابر اخبار زننده بی‌عدالتی، یک فاجعه بدتر از خود بی‌عدالتی است. حساسیت ایرانیان به بی‌عدالتی کم شده است. مطالبه حوزه عمومی غیردولتی و خیرخواهان ناظر بر ضرورت اجرای اصل ۳۰ قانون اساسی و یک ضرورت برای سعادت و صلاح ملی است. نگذاریم در کشاکش مشکلات